

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

توصیف ساختمان دستوری منشات خاقانی

استاد راهنما:

دکتر وحید مبارک

استاد مشاور :

دکتر قهرمان شیری

نگارش:

آمینة صیدی

اسفندماه ۱۳۸۹

چکیده:

این پایان نامه تحت عنوان «توصیف ساختمان دستوری منشات خاقانی»ست. در بررسی های خود بیشتر تابع نظریه گشتار هستیم. مطالعات دستوری مجموعه ای از قواعد زبان می باشد. بدون شک پاسخ به بسیاری از دشواری ها در منشات خاقانی به کمک دستور زبان و ارائه ی یک نمونه ی خوب از مطالعات توصیفی زبان از

مطالعات زبان از میان متون ادبی گذشته، از اهدافی ست که در این پژوهش دنبال کرده ایم.

در این پژوهش سعی بر این است، جمله و ساختار آن، بندها، گروه اسمی، فعلی، وصفی، قیدی، تکواژها، حروف و وندها (کارآمد یا ناکارآمد) و برخی ابهام ها که حاصل ساختار جملات است مورد بررسی قرار می دهیم. این پژوهش را در یازده فصل و یک مقدمه و کلیات تنظیم کرده ایم. در کلیات به طور مختصر به پیشینه و تاریخچه ای از دستور زبان اشاره کرده ایم، بعد به طور مختصر به زندگی استاد خاقانی و تاریخچه ای از منشات پرداخته ایم. در ابتدای هر فصل به تعریفی از موضوع ارائه شده و در جاهایی به ارائه نظریاتی از دستور نویسان و نقد برخی از آنها پرداخته ایم، سپس نمونه هایی از کتاب «منشات» و کتاب های دیگر ذکر و به بررسی و تحلیل آنها پرداخته ایم. در پایان چند نمودار درختی از انواع جملات آورده شده در منشات آورده ایم.

بسامد بالا بودن هر مورد دستوری یک ویژگی سبکی برای منشات می باشد.

واژگان کلیدی: زبان، دستور، منشات خاقانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
	کلیات
	ت
ه	مقدمه
د	
۶	فصل اول: زندگی خاقانی
۱-	
	سبک خاقانی / تاریخچه مختصری از تألیف و نوشتن منشات
۱۲	فصل دوم: واج‌ها و دگرگونی‌های آنها
۷-	
	واج چیست؟ / ابدال افزایش / قلب / تخفیف
۲۶-	فصل سوم: تکواژی
۱۳	
	قاموسی / دستوری / وند چیست؟ / پیشوندها / بی / باز / برای / فرو / نـ / مـ / نا / هم / در / پسوند / هـ / تر / گون / گاه / کده / ها / ان / ات / وار / سار / گار / ین / ینه / نـ / گر / مند / بار / بان / دان / فام / ک / مـ / ستان / ار / ا.
۳۵-	فصل چهارم: حروف
۲۷	

حروف ربط / حروف نشانه / حروف اضافه / حرف ربط / اگر / که / چنانکه / مگر / چندانکه / مگر / همانکه / چه / لیکن / اگرچه / یا / از آنکه / پس / والا / تاکنون / بلکه / بل / نیز / حرف اضافه / در / اندر / از / بر / برای / مگر / جز / پیش / به / از بهر / حرف نشانه / ای / را / یا / الف / - مصوت کوتاه

فصل پنجم: ضمائر ۴۱ -
۳۶

ضمیر چیست؟ / ضمیر شخصی / ضمیر پرسشی / ضمیر اشاره / مبهم / مشترک / متقابل / تعجب / نقش
ضمائر

فصل ششم: فعل و گروه فعلی ۷۸ -
۴۲

تعریف گروه / تعریف گروه فعلی / ستاک / وجه / ویژگی‌های فعل / ساختمان فعل / فعل وصفی / نفی و
اثبات در فعل / فعل امر و نهی / فعل ناقص / دعایی

فصل هفتم: اسم و گروه اسمی ۹۰ -
۷۹

اسم چیست؟ / گروه اسمی چیست؟ / ویژگی‌های اسمی / ساختمان اسم / نقش‌های اسم / اسامی در حکم
اسم

فصل هشتم: صفت و گروه وصفی ۹۷ -
۹۱

صفت چیست؟ / گروه صفتی چیست؟ / انواع صفت / نقش و روابط دستوری

فصل نهم: قید و گروه قیدی ۱۰۲ -
۹۸

قید چیست؟ / گروه قیدی چیست؟ / ساخت قید

فصل دهم: گروه حرف اضافه‌ای ۱۰۵ -
۱۰۳

گروه حرف اضافه‌ای چیست؟ / ساخت آن / نقش‌های گروه حرف اضافه‌ای

فصل یازدهم: جمله و انواع جملات ۱۲۲ -

۱۰۶

جمله چیست؟ / انواع جمله (ساده، مرکب همپایه، مرکب ناهمپایه، مرکب ناهمپایه‌ی عربی‌دار) / شبه

جمله / جملات بی‌نهاد / ترتیب اجزای جمله

فهرست منابع ۱۲۶ -

۱۲۳

کلیات

سؤالات تحقیق

۱. آیا زبان و قواعد دستوری منشاءات نسبت به قبل و بعد از آن وهم نسبت به زبان رسمی و محاوره ای یکسان است؟

۲. آیا تحول در جزئیاتی نظیر جمله و تکواژها و حتی واج ها صورت گرفته است؟

۳. آیا منشاءات خاقانی می تواند ارائه دهنده ی یک نمونه خوب از مطالعات توصیفی زبان از میان متون ادبی گذشته و در میان نثر فنی باشد، و می توان نتایج به دست آمده را به آثار دیگر تعمیم داد؟

ابتدا بهتر این است که، تاریخچه مختصری از دستور زبان فارسی رایان کنیم. و در پایان تحقیق به نتایج به دست آمده پردازیم.

پیشینه ی دستور نویسی

گذشتگان نسبت به دستور نگرشی خاص داشتند، آنها آموزش دستور زبان را مختص کسانی می دانستند که آن زبان را به عنوان زبان دوم بیاموزند. این قاعده در مورد تدوین لغت نامه ها نیز صادق بود؛ اگر نگاهی به کتاب های صرف و نحو عربی بیندازیم، می بینیم غالب مولفان آنه غیر عرب بوده است. این نظریه درباره ی فارسی نیز صادق است چنانکه دستور های اولیه توسط کسانی تالیف شد که فارسی زبان نبودند. از سوی دیگر زبان عربی علاوه بر اینکه؛ زبان دینی، سیاسی و علمی آن روزگار بود در میان گویندگان فارسی به گونه ای رایج بود که آنان را از توجه به زبان فارسی، که حکم زبان محلی را برای نویسندگان داشت، منصرف می کرد و مانع می شد که به تدوین قاعده های آن پردازند. از این رو در جست و جوی نخستین دستورهای زبان فارسی، لازم است به کشورهای همسایه و یا جاهایی که زبان فارسی به دلیل هایی مورد توجه بوده است، نگاه می کنیم. لذا برای بررسی تاریخ دستور نویسی در زبان فارسی نکاتی همچون: خود اثر، دیگر محل تالیف این دستور ها، قومیت و زبان مولف توجه داشت.

زبان فارسی از نظر ساختار آوایی، واژگانی و معنایی تحولات سه گانه را در طی سه دوره زمانی باستان، میانی و جدید پذیرا شده است. برای بررسی زبان دو شاخه مهم دستور زبان یا صرف و نحو و یا گرامر به زبان انگلیسی و زبانشناسی به وجود آمد. لازم به ذکر است هر چند علم صرف و نحو عربی زودتر از دستور زبان فارسی نوشته شد. اما اولین کسانی که اقدام به نگارش علم صرف و نحو کردند ایرانیان بودند.

نویسندگان بر این هستند که، برای یافتن پیشینه دستور با دو دسته آثار روبرو ایم.

۱. آثاری که مربوط به دستور زبان هستند ۲. آثاری که نه برای دستور بلکه به جهت ارتباط با مباحث زبان و ادبیات فارسی مطالبی را در زمینه دستور نوشته اند. به عنوان مثال مقدمه فرهنگ ها و واژه نامه ها و کتاب ها و رسالات فلسفی و منطقی و غیره...

علاوه بر این می توان با توجه به اینکه چگونه و از چه منابعی استفاده شده است؛ به سه قسمت تقسیم کرد: ۱. آثاری که به تقلید از صرف و نحو عربی نوشته شده اند ۲. کتاب ها و رساله هایی که با استفاده از قواعد زبانهای انگلیسی، فرانسه و ترکینگارش شده است که در آن مسائل خویشاوندی زبان های اروپایی با فارسی مطرح کرده اند مثل مرحوم قریب ۳. آثاری که در اوایل قرن حاضر بر اساس مطالعه در زبان ها و لهجه های

فارسی و متون مکتوب نوشته شده است و در نگارش دستور از علم زبانشناسی بهره گرفته اند. کتاب های نگارش شده کسانى چون دکتر معین و خانلری.

از میان آثاری که مربوط به دستور زبان فارسی است می توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱. «المعجم فی معاییر اشعار العجم» مولف آن شمس قیس رازی می باشد در سال ۶۱۷هـ.ق در حمله مغولان ناپدید و نویسنده دوباره در سال ۶۲۳هـ.ق به خواهش علمای شیراز نوشت.

۲. «حلیه الانسان فی حبله اللسان» کاری از سید جمال الدین احمد بن علی بن مهنا می باشد، از پیشگامان دستور نویسی در زبان های فارسی، ترکی و عربی است.

۳. «منطق الخرس فی لسان الفرس» ابن شاکر در کتاب «فوات الوفيات» خوانساری در کتاب خود نویسنده آنرا ابو حیان نحوی پیشوای علوم نحو و نحو و متون ادبی می دانند. به عربی نوشته شده است.

۴. «منهاج الطلب» تالیف محمد بن الحکیم الزینیمی الشندونی الصینی از پیشگامان دستور نویسی برای زبان فارسی است.

کتاب های دستور قرن سیزدهم عبارتند از:

۱. «قواعد صرف و نحو فارسی» تالیف میرزا عبدالکریم بن ابی القاسم ایروانی ۱۲۳۷-۱۲۹۴هـ.ق) در شهر تبریز است.

۲. «براهین العجم» میرزا محمد تقی سپهر (۱۲۰۷-۱۲۹۷هـ.ق) در شهر کاشان به دنیا آمده است.

۳. «مجمع الرسائل ادبی» در صرف و نحو که توسط حاج محمد کریم خان کرمانی (۱۲۵۵هـ.ق) در دو رساله گردآوری کرده است.

کتاب های قرن سیزدهم تا اوایل قرن پانزدهم:

۱. «دبستان پارسی» تالیف میرزا حبیب اصفهانی. دستورش بر ده قسم شامل (اسم، صفت، کنایات، فعل، فروع فعل، متعلقات فعل، حروف، ادوات، اصوات) می باشد.

۲. «تنبیه الصبیان» تالیف میرزا حسین خان مسعود انصاری (۱۲۵۹-۱۳۱۱ ه.ق) در یک مقدمه و یک خاتمه و دو باب.

۳. «لسان العجم» تالیف میرزا حسن بن محمد تقی طالقانی. در یک مقدمه و دو باب و یک خاتمه و با تاثیر از صرف و نحو عربی نوشته است.

۴. «دستور کاشف» غلامحسین کاشف در استانبول برای آموزش کودکان دبستانی نوشته است.

۵. «دستور زبان فارسی یا قواعدی جامع و مختصر، از فن درست گفتن و درست نوشتن» مولف آن ایرج دهقان از اهالی ملایر بود.

۶. «نامه زبان آموز پارسی» تالیف میرزا علی اکبر خان ناظم الاطباء

۷. «دستور زبان فارسی به اسلوب السنه مغرب زمین» از جمله دستور زبان هایی که در معاصر نگاشته شده است. مولف آن میرزا عبدالعظیم قریب می باشد. در نگارش آن از گرامر های اروپایی به ویژه دستور زبان فرانسه تاثیر پذیرفته است.

۸. «دستور زبان فارسی (پنج استاد)» تالیف جمعی از استادان دانشگاه (قریب، بهار، فروزانفر، همایی، یاسمی) برای تدریس در دبیرستان ها تالیف شد.

۹. «دستور جامع زبان فارسی» مرحوم عبدالرحیم بن حاج محمد حسین همایونفرخ.

۱۰. «طرح دستور زبان فارسی» تالیف بزرگوارای چون دکتر معین و با همکاری استاد دهخدا نگارش شده است.

۱۱. «دستور زبان فارسی» از کتاب های ارزشمند در این زمینه که توسط استاد گرانقدر عبدالرسول خیامپور (۱۳۱۸-۱۳۵۸ ه.ق) است.

۱۲. «دستور زبان فارسی» مرحوم دکتر پرویز ناتل خانلری از محققان معاصربه نگارش در آورده است.

۱۳. «دستور امروز» تالیف دکتر ارجمند خسرو فرشید ورد که در سال ۱۳۴۸ به چاپ رسید هاست.

۱۴. «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» تألیف محمد رضا باطنی، این اثر در سال ۱۳۴۸ هجری به چاپ رسیده است. در مقدمه بیان می‌کند این اولین دستور ساختمانی زبان فارسی است که براساس زبانشناسی نگاشته شده است. هرچند ممکن است دارای معایبی هم باشد.

۱۵. «مبانی علمی دستور زبان فارسی» تألیف احمد شفایی

۱۶. «دستور علی اشرف صادقی و غلام رضا ارژنگ» در سه جلد، برای آموزش رشته ی فرهنگ و ادب تدوین شد.

۱۷. «دستور زبان فارسی» تألیف دکتر تقی وحیدیان کامیار با همکاری غلامرضا عمرانی.

۱۸. «دستور زبان فارسی بر پایه ی نظریه گشتاری» از دکتر مشکوه الدینی. در سال ۱۳۶۶ چاپ شده است.

همان طور که قبلاً هم گفته شد در مقدمه فرهنگ ها و رسالات به دستور پرداخته شده است، که بصورت اختصار عبارتند از: ۱. «فرهنگ شعوری» از حسن شعوری ۲. «فرهنگ جهانگیری» حسن انجو که قدیمی ترین و مفصل ترین فرهنگ های فارسی است در هند تألیف شده است. ۳. «برهان قاطع» تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی به مسائل دستور زبان فارسی و زبانشناسی و لغت پرداخته است. ۴. «فرهنگ رشیدی» اثر عبد الرشید بن عبدالغفور الحسینی المدنی است.

فرهنگهای زیاد و لغت نامه های زیادی وجود دارد که بدلیل طولانی شدن از آوردن بقیه صرف نظر می کنیم.

در اروپا نیز برای زبان فارسی تدوین شده است، که به چند نمونه اشاره خواهیم کرد.

۱. بیشتر کسانی که به تألیف این کتابها پرداخته اند از میان مبلغان و کشیشیان مسیحی و خاورشناسان بودند که، برای کارهای و ماموریتهای نظامی سیاسی و فرهنگی رفته اند و پشتوانه تألیف (rudimenta linguae persicae) برای تاریخ دستور فارسی شدند. ۱. عنصرهای زبان

(moises Edward). تألیف. (Ludouicoz (Agrammar of the Persian language)

از میان کتاب های فلسفی و منطقی از دره التاج قطب الدین رازی و اساس الاقتباس خواجه نصیرالدین طوسی می توان نام برد.

دستور زبان به گفته ی دکتر باقری «علمی ست که به وسیله ی آن درست نوشتن و گفتن را می آموزد». (مهری باقری ۱۳۸۰، ص ۱۳۱) در پایان انواع دستور رایبان می کنیم که عبارتند از: دستور تاریخی، تطبیقی، توصیفی، سنتی، گشتاری، ساختاری، مقابله ای، رده شناسی، دستور جهانی.

دستور زبان گشتاری در سال ۱۹۵۷م. نخستین بار در کتاب «ساختهای نحوی» توسط نوآم چامسکی زبانشناس معاصر آمریکایی عرضه شد. سپس در سال ۱۹۶۵ در کتاب دیگری از همین زبانشناس، با عنوان «جنبه های نظریه ی نحو» گسترش تازه ای یافت. از این به بعد هم، توسط خود نوآم و هم دیگر زبانشناسان گسترشها و بازنگریهایی در این زمینه انجام شد. دستور گشتاری برای بررسی و توصیف زبان بسیار موثر است. تا جایکه بسیاری از زبان های شناخته شده ی کنونی بر اساس همین دستور زبان گشتاری می باشد. (مشکوه الدین ۱۳۸۹، مقدمه)

در این تحقیق سعی بر این شده است توصیف و تجزیه ی روساختی و روابط ساختمانی جملات، گروه ها، در منشات خاقانی بر اساس نظریه ی گشتاری مورد بررسی قرار گیرد از آنجاییکه می دایم این نظریه فقط به روساخت توجه ندارد. لذا به نظر کاملتر می باشد.

مقدمه

یکی از عمده ترین موضوع‌های علم زبانشناسی: بررسی و توصیف چگونگی پیوند واژه ها برای پدید آوردن جمله های بی شمار در هر زبان است، این بخش بررسی و توصیف زبان همان دستور زبان یا به گفته‌ای «نحو» می باشد.

بررسی چگونگی پیوند واژه ها در ساخت‌های دستوری جمله، وروابط درونی و بیرونی موجود میان آنهاست. این ساخت‌ها و روابط دستوری در میان اندیشه و ایجاد ارتباط میان افراد بسیار مهم است. دستور زبان یکی از مباحث مهم زبان و ادبیات فارسی ست، که از دیر باز تلاش‌هایی در این راستا از طریق کتاب‌ها و مقالات انجام گرفته است. این پژوهش کوچک نیز، نوعی بررسی دستور زبان البته در یک کتاب مشخص (منشآت) می باشد که می توان گفت در همین راستا انجام گرفته است.

اگر دستگاه زبان را بررسی کنیم خواهیم دید؛ از واحدهای متعددی بوجود آمده است. دستگاه زبان مهمترین وظیفه آن برقراری ارتباط و پیام رسانی ست. این وظیفه با «جمله» که بزرگترین واحد زبان است انجام می شود،

در وجود آمدن جمله واحدهای کوچکتر دخیل اند. به ترتیب از کوچک به بزرگ عبارتند از: واج، تکواژ، واژه،

گروه، بند، جمله می باشد. در این پژوهش نیز سعی بر این داریم بر این اساس کار خود را انجام دهیم، و به بررسی ساختار کوچکترین واحد آوایی تا بزرگترین واحد زبانی پرداخته، از آنجاییکه دستور گشتاری به نظر قابلیت بیشتری نسبت به دستورهای دیگر دارد و در محورهای افقی و عمودی و کارکرد فرا زنجیری و رفع ابهام کمک شایان توجهی می کند و از آشفتگی که در دستورهای سنتی (به دلیل نداشتن نظریه) به دور می باشد اساس کار خود را بر پایه «نظریه گشتار» قرارداده ایم. نتیجه های بدست آمده را بعد از بررسی‌ها متذکر می شویم.

فصل اول:

زندگی نامه خاقانی

زندگی نامه

بزرگترین قصیده پرداز قرن ششم، سرآمد شاعران این دوره «افضل الدین بدیل خاقانی شروانی» مرد بلند آوازه شهر شروان از شهرهای ایران است، در ابتدا به حقایقی مشهور بود بعدها القابی چون «حسان العجم...» شهرت یافت. در اشعار خود از القابش سخن به میان آورده است. تخلص شعری وی «خاقانی» است.

گل علم اعتقاد خاقانی / خارش از جهل مستدل منهد.

افضل ازین فضولها راند / نام افضل بجز اصل منهد.

بدل من آمدم اندر جهان سنایی را / بدان پدر نام من بدیل نهاد.

چون دید که در سخن تمامم / حسان عجم نهاد نامم.

نام هنری خاقانی را در دربار خاقان اکبر، منوچهر شروانشاه به پایمردی ابوالعلای گنجوی یافت.

در اشعار و نامه‌های خود گاهی از زاد بوم خود به نیکی و گاهی با تلخی و نفرت یاد کرده است، از رنج‌ها و مشقتهایی که متوجه او شده در جای جای نوشته‌های خود یاد می‌کند.

«... قومی دیگر ناجنس جنس؛ خلف جلف؛ نحس نجس؛ پلید بلید...» (منشآت، 194)

با وجود این با دریغ هم آنرا به خاطر می‌آورد.

شب رحیل چو کردم وداع شروان را / دریغ حاصل من بود و در حصه من.

خاقانی در قصیده ترسائیه سال تولد خود را سال 500 هجری می‌داند، اما استاد فروزانفر در کتاب «سخن و سخنوران» سال تولد او را 520 هجری دانسته است.

پدر خاقانی درودگر و مادرش کنیزی ترساکیش بوده که پیشه طباحی داشته است. خاقانی ارادتی خاص به مادرش داشته و در اشعارش به فراوان او را مدح کرده است.

روزگاری خاقانی از پدر رنجیده خاطر می‌شود و در نزد عمش کافی الدین عمر عثمان فرزانه دانشمند،

پزشک حاذق، سرآمد بیشتر علوم زمان خود زندگی را به سر برد. تا جایی که او را «پدر فرهنگی» او

نامیده‌اند.

خاقانی سفرهایی به مناطق مختلف داشته است، در این میان شوق زیادی برای رفتن به خراسان داشت ولی تا پایان عمر موفق به دیدار آن سرزمین نشد. نخستین سفر او نیز به خراسان بود اما در ری بیمار شد و به شروان بازگشت. مناطقی که او سفر کرده است عبارتند از: قهستان، موصل، بغداد عراق، همدان، مدینه، ... اخلاق او

نسبت به ادوار زندگانش متفاوت است. آنچه‌آن که از روایت تذکره‌نویسان بر می‌آید خاقانی در آغاز

شاعری مداح، و از آنان صلاتی دریافت کرده است. تا اینکه درد طلب دامنگیر او می‌شود و از دربار

پادشاهان روی گردان می شود. (دیوان خاقانی ۱۳۸۷، صص ۴۲-۴۶)

از زمینه‌های فکری او آنچنان که پیداست اندیشه‌های صوفیانه است. از نوشته‌های او چنان بر می آید زمانی به آیین درویشی از قال به حال روی آورده است.

اکثر علوم زمان چون: طب، نجوم، پزشکی، فلسفه، ... را فرا گرفته است. در اشعار و نوشته‌های خود آنها را می آورد.

سبک خاقانی

زبان فارسی که بعد غلبه اعراب بر ایران رو به انحطاط گذاشت ساله زبان عربی جانشین آن شد. فقط در محاورات خود زبان فارسی را بکار می بردند و به همین علت دستخوش تغییرات و تحریفات واقع می گردد. در زمان صفاریان و سامانیان که استقلال سیاسی ایران آغاز شد زبان فارسی نیز زندگانی از سر می گیرد. در آغاز با نهایت سادگی و روانی خالی از تصنع بود؛ ولی در اواخر عهد سلجوقیان و خوارزمشاهیان و مغول زیبایی و ظرافت و لطافت خود را از دست می دهد و نویسندگان در استعمال غرائب لغات عربی و فارسی، تصنعات، تکلفات، تشبیهات، استعارات و کنایات بر هم سبقت می گرفتند. از تمام معلومات خود در زمینه‌های مختلف چون: نجوم، هیأت، حکمت، ... در نثر و نظم بکار بردند.

خاقانی در همین دوره مشکل گویی و دشوار گویی است او نیز چون دیگران از علوم متداول روز آگاه و از این استعداد خود برای سرودن اشعار و نوشتن نامه های خود استفاده کرده است تا این گونه نثر و نظم را از خود به جای گذارد و سرآمد هم عصران خود شود. توصیفات، تشبیهات، کنایات همه حکایت از مهارت او دارند.

خاقانی پیرو «نثر فنی» است. متنی آراسته به صنایع که گاه مصنوع و متکلف خوانده شده است. خاقانی کسی است که می خواهد قلمروهای ناپیموده اندیشه راه بجوید، نمی خواهد سخن دیگران را بازگو کند، افتخار او همیشه این بوده است که به تقلید نپرداخته، اندیشه و شعر آنها دیگران را مایه خود نکرده است. به قله ها نگاه می کند، دامنه ها او را راضی نمی کند.

خاقانی آثاری را به زیبایی هرچه تمام‌تر به معرض نمایش گذاشت. از جمله: مثنوی تحفه العراقین، دیوان شعرش متضمن قصاید و مقطعات و ترجیعات و رباعیات و رباعی‌ها و غزل‌هاست، منشات. (تاریخ ادبیات صفا ۱۳۸۴، ص ۳۱۱)

در نوشتن منشات خود به شیوه دیگر منشیان قرن ششم عمل کرده است. خاقانی در «منشات» که مجموعه‌ای از نامه‌هایش می‌باشد فقط نامه‌های دیوانی و درباری خود را به نثر فنی ننوشته است؛ بلکه در نامه‌هایی که به دوستان خود (اخوانیات) نوشته است از تشبیه و توصیف‌ها استفاده کرده، و به طور کلی از نثر فنی بهره برده است.

تاریخچه منشات

بررسی نامه‌ها و منشآت مختلف در طول تاریخ، چشم اندازی دیگر از فرهنگ و تمدن قوم ایرانی را آشکار می‌سازد. در تاریخ هردوت آمده است: «هارپاک نامه‌ای به کوروش نوشت او را تشویق به جنگ با آستیاک (جد مادری کوروش) نمود و برای اینکه نامه به آسانی از قلمرو خارج شود آن را در شکم خرگوشی پنهان کرد و نامه‌رسانی در لباس شکارچی توانست آنرا به کوروش برساند». نامه‌های پیامبر (ص) برای دعوت سلاطین، نامه حضرت سلیمان (ع) که در قرآن آمده است. نامه‌های شیوا و فصیح حضرت علی (ع).

گردآوری و تدوین منشات و مکاتبات فارسی به وسیله خود کاتبان یا دیگران از دوران غزنویان و به وسیله بیهقی آغاز شد. اما اولین مجموعه نامه‌ها که از سیل حوادث مصون ماند مکاتبات ابوحامد محمد غزالی، با عنوان «فضایل الامام من رسایل حجه الاسلام» است که به وسیله‌ی یکی از نزدیکانش گردآوری شد. بعضی نامه‌های رشید الدین وطواط را اولین مجموعه منشات دانسته اند اما صحیح نیست، زیرا مکاتبات ابوحامد (۴۰۵-۵۰۵)، نامه‌های عین القضاة (۵۲۵ هـ.ق) و مکاتیب سنایی (۵۴۵ هـ.ق) نسبت به نامه‌های وطواط (۵۷۳ هـ.ق) تقدم زمانی دارد.

منشات چیست؟

منشآت نویسی یا نامه نگاری که در قدیم به آن ترسل نیز گفته اند، به عنوان یکی از فنون انشاء و نویسندگی در گستره فرهنگ و ادب فارسی جایگاه ویژه ای دارد. آثار برجای مانده از زمان های قبل با عناوینی چون: نامه ها، مکاتبات، مکاتیب، مرسلات، رسایل، رقعات، ... به غیر از جنبه های ادبی و زبانشناسی فرازمایی از اوضاع تاریخی، اجتماعی و فرهنگی را نشان می دهد. منشآت، اسم مفعول به صیغه جمع مؤنث از مصدر «انشاء» و مفرد آن «منشاه» است.

منشآت در اصطلاح ادبی، مجموعه ای از نامه های دیوانی یا دوستانه است که منشی یا نویسنده غیر دیوانی نوشته باشد. در نتیجه منشآت همان نامه هاست همان پیک از ریشه پهلوی.

نامه ها را به اخوانیات و سلطانیات تقسیم کرده اند. سلطانیات همان فرمان ها و منشورها و نامه هایی بود که از دربار پادشاهان صادر می شد و یا از زیردستانشان به آنها نوشته می شده است. مقصود از اخوانیات همان نامه های محبت آمیز و دوستانه ای است که طبقات مختلف مردم به هم می نوشتند .. به سلطانیات نامه های دیوانی یا نامه های رسمی، دولتی، اداری، و به اخوانیات: نامه های دوستانه، خصوصی و یا غیر رسمی می گویند. سبک نگارش در آنها فرق داشت ممکن بود دبیر در یکی از آنها مهارت داشته باشد.

از نامه های سلطانی که به اسلوبی خاص نگاشته شده است می توان به نامه ها و مکاتبات میان پادشاهان، فرمانها، فتحنامه ها و شکست نامه ها و تعزیت نامه ها اشاره نمود. در دیوان ها می توان نمونه های زیبایی از نامه ها که سرشار از عواطف و احساسات، گله گذاری و حبسیات می باشد، یافت. مانند قصیده ی خاقانی خطاب به اندرونیکوس کمینوس در شکایت از حبس و شفیع گرفتن او برای خلاص از زندان. از دیگر اخوانیات، نامه های دانشمندان، عارفان، صوفیان، ارشادنامه ها و اجاره نامه ها.

فن ترسل یا نامه نگاری همواره مورد توجه بوده است. رعایت حدود و معیارها در نگارش منشآت و مرسلات برای طبقه ای از افراد، سبب شد تا از دیرباز به تدوین کتاب هایی در این باره کنند. در ادب پارسی تا قرن ششم در این باب اثر مستقلی دیده نمی شود و تنها در بعضی آثار چون: قابوسنامه و چهار مقاله اندک مطالبی آمده است. نخستین کتاب مستقل در فن دبیری از محمد بن عبدالخالق میهنی (اوایل قرن ششم). منشآت مانند دیگر انواع نثر در هر دوره ویژگیها و خصوصیتی دارد، در قرن پنجم مکاتیب و منشآت به نثر مرسل نوشته می شد؛ ولی بانفوذ هر چه بیشتر زبان عربی و استفاده از لغات و ترکیبات آن از

سوی منشیان و کاتبان و نیز هنرنمایی آنان در آوردن آرایه های ادبی همچون استفاده از آیات و احادیث، مثلها، تلمیحات ... منجر گردید تا از قرن ششم به بعد منشات به تدریج در ردیف یکی از اقسام نثر مصنوع قرار می گیرند. کسی چون: بهاءالدین بغدادی در «التوسل الی التوسل» به طور کامل مصنوع می نوشت. عده ای دو شیوه داشتند مثلاً سنایی نگارش سلطانیات را مصنوع و اخوانیات را به نسبت ساده تر می نوشت، البته همیشه اینطور نبود چنانکه؛ خاقانی در نامه هایی که به دوستان خود می نوشت همچنان که برای پادشاهان می نوشت از نثر فنی استفاده می کرد. این روند تقریباً تا قرن سیزدهم هجری قمری و عهد فتحعلی شاه ادامه یافت. تا آنکه قائم مقام فراهانی (۱۱۹۳-۱۲۵۱ هـ.ق) با ساده نویسی رواج داد. از پیروان موفق او امیر نظام گروس بود، که در آوردن تعبیرات عامیانه مهارت زیادی داشته است.

از هم عصران امیر نظام، فرهاد معتمدالدوله «۱۲۳۳-۱۳۰۵ هـ.ق» بود که در به کاربردن فارسی سره اهتمام ورزید ولی بناچار کلمات عربی را بکار برده است. پس از او می توان به منشات فاضل جمی (م ۱۳۱۹ هـ.ق) اشاره نمود. منشات او مزین به آیات و احادیث و انواع آرایه های ادبی، لغات و اصطلاحات عرفانی و برخی اسامی شهرها و روستاهاست.

دبیران و منشیان در نوشتن مکاتیب سلطانی از منشات مشهور زمان خود و یا گذشتگان سرمشق می گرفتند. در عوض شکل کلی سلطانیات گاه تکراری و ملال آوراست. اخوانیات از نظر سبک و نگارش تنوع بیشتر دارد. زیباترین رکن اخوانیات که اصطلاحاً به آن شرح اشتیاق می گفتند، از برجسته ترین جنبه های ادبی منشات و مکاتبات می باشد که با نثری زیبا و شاعرانه و اشعاری سرشار از عاطفه و احساس در صدر و یافتن نامه بیان شده است البته در مکاتیب سلطانی بویژه مکاتبات سلطانی به هم این رکن حذف می شد. در سلطانیات عنوان یا آغاز نامه اهمیت داشت و در اصطلاح عبارت بود از «تعیین مرتبه هر فرد از افراد ملوک و سلاطین و امرا .. القاب و دعا». در بعضی مکاتیب سلطانی مانند: فتحنامه، شکست نامه، مناشسر، سوگندنامه، ... ابتدا مقدمه ای به عنوان حسن مطلع و براعت استهلال آورده می شد که منشیان در این قسمت به تناسب مطلب، به مقدار زیادی از آیات و احادیث استفاده کرده اند. منشات علاوه بر جنبه های زبان شناسانه و ادبی، به لحاظ انعکاس اوضاع اجتماعی در رخدادهای سودمنداست.